

مقایسه اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین

اکبر حسن پور^۱، مریم محمد خانلو^۲، یاسین سعیدی^۳

چکیده

هدف این مطالعه بررسی مقایسه‌ای اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایش است. جامعه آماری را کلیه معلمان ($N=896$) و اولیاء دانش‌آموزان ($N=19470$)، مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین تشکیل دادند. داده‌ها از طریق پرسشنامه اثربخشی مدارس نیکنامی و مهدیان (۱۳۸۸) گردآوری شدند. روایی پرسشنامه از طریق متخصصین علوم تربیتی تایید شد و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که ضریب ۰/۹۱. نشان از سطح بالا و قابل قبول ابزار تحقیق بود. داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و آزمون من ویتنی مورد بررسی قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ اثربخشی تفاوت معناداری وجود دارد و در تمامی مؤلفه‌های اثربخشی میانگین مدارس غیرانتفاعی نسبت به مدارس دولتی بالا بود که این نشان‌دهنده اثربخشی مدارس غیرانتفاعی نسبت به مدارس دولتی است.

کلید واژه‌ها: اثربخشی، مدارس دولتی، مدارس غیرانتفاعی.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵

۱- استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران.

۲- کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد واحد قزوین

۳- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

yasin.saeedi@yahoo.com

مقدمه

اثربخشی سازمانی^۱ به شکل وسیعی در ادبیات سازمانی جا باز کرده است و به عنوان موضوع کلیدی در تمامی تجزیه و تحلیل‌های سازمان در نظر گرفته می‌شود (بوتا و ماکلو^۲، ۲۰۱۲). اثربخشی سازمانی را می‌توان به صورت توانایی سازمان برای دستیابی به اهداف تعریف کرد. اثربخشی سازمانی یعنی قابلیت سازگاری سازمان با شرایط محیطی (علاقه‌بند، ۱۳۹۳). از آنجا که مدارس و آموزشگاه‌ها رکن اساسی سازمان آموزش و پرورش رسمی هر کشور در تحقق اهداف تعلیم و تربیت افراد آن جامعه هستند، مطالعات زیادی در زمینه‌های علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و مدیریت در دنیا به بررسی اثربخشی مدارس دولتی و خصوصی و تعیین میزان دستیابی آن‌ها به اهداف از پیش تعیین شده پرداخته‌اند (درانکر و رابرت^۳، ۲۰۰۳).

هدف از ایجاد سازمان، دستیابی به اهداف از طریق رفتارهای اثربخش است. در این مسیر می‌توان گفت سازمان‌ها به این منظور به وجود آمده‌اند که به عنوان مؤثرترین و کارسازترین واحدهای اجتماعی، هدف‌های خود را در حد انتظارات جامعه تحقق بخشند. از این رو تمام کوشش‌های سازمانی در جهت ترویج و تشویق رفتارهایی است که از نظر سازمانی، اثربخش و مولد و از لحاظ کارکنان سازمانی، رضایت‌بخش و پاداش‌دهنده باشد (فیصل، سراج و نورفیضا^۴، ۲۰۱۱). بدون تردید، سازمان‌های آموزشی یکی از مهم‌ترین، مؤثرترین و گسترده‌ترین سازمان‌ها هستند که تربیت و تعلیم رسمی افراد جامعه را بر عهده‌دارند و نیز به عنوان تأمین‌کننده منابع انسانی سایر سازمان‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. آموزشگاه و مدرسه به منزله رکن اساسی تعلیم و تربیت رسمی، سعی در تحقق هدف‌های آموزش و پرورش دارد. سازمان‌های آموزشی هر جامعه و آموزشگاه‌ها، همانند سازمان‌های دیگر سعی اساسی برای تحقق اهداف سازمانی خود دارند و این تلاش زمینه بررسی و مطالعه اثربخشی مدرسه را فراهم می‌کند (شنهاو^۵، ۱۹۹۴؛ به نقل از زکی، ۱۳۸۹). اثربخشی مدرسه موضوع اصلی و اساسی محققان علوم تربیتی است که سابقه آن به تحقیقاتی هم چون کلمن، راتر، بروک آور، ادموندز و موسو مادواس^۶ بر می‌گردد

1- Organizational Effectiveness

2- Botha & Makoelle

3- Dronkers & Robert

4- Faiza, Siraj & Norfaiza

5- Shnhav

6- Coleman, Rutter, Brooke Aver, Edmonds & Mousavi Madvas

که شاخص‌ترین تحقیقات آموزشی مربوط به مدارس اثربخش به شمار می‌روند (ماریشن و همکاران^۱، ۲۰۱۱).

میر کمالی (۱۳۷۵)، معتقد است روش‌های گوناگون برای تعیین اثربخشی مدرسه وجود دارند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: مشارکت جامعه در تعیین فرایند اثربخشی مدرسه، بازنگری ارزش‌یابی و توسعه مدرسه، رویکرد معتبر و آزمون‌های استاندارد. در همین راستا رزیت و گرمرز^۲، مشخصات مدارس اثربخش را در چهار بخش اصلی دسته‌بندی می‌نماید که تعامل عوامل چهارگانه، موجب اثربخشی سازمانی مدارس می‌گردد و هر کدام از عوامل یادشده بر اساس ملاک‌هایی مانند زمان، فرصت‌ها، کمیت و کیفیت، شناسایی می‌شوند:

الف) محتوا: شامل حمایت‌های مالی مدارس، نظام‌های آموزشی، نظام‌های حمایتی، برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی، برنامه‌ریزی‌های درسی کلان کشور.

ب) سطح مدرسه: شامل قوانین و مقررات مربوط به کلاس درس، نظام‌های ارزیابی مدرسه، قواعد و شرح وظایف مربوط به مدیر، کارکنان و معلمان، فرهنگ مدرسه مرتبط با اثربخشی، قوانین و مقررات برای استفاده از زمان، برنامه‌ها و فعالیت‌های روزانه مدرسه، شیوه‌ها و روش‌های مربوط به آموزش و راهنمایی پرسنل و معلمان برای فعالیت‌های آموزشی.

ج) سطح کلاس درس: شامل هماهنگی میان اهداف و محتوا، ساختار محتوای آموزشی، هماهنگی و انسجام لازم میان منابع درسی، توانایی گروه‌بندی، تاکید بر یادگیری، ارتقای یادگیری مشارکتی، توجه به چگونگی رفتار دبیران در کلاس درس.

د) سطح دانش‌آموزان: شامل فرصت‌ها و زمان لازم برای انجام وظایف، انگیزش سابقه و زمینه‌های اجتماعی و فرصت‌های لازم برای یادگیری (رزیت، ۲۰۰۵: ۱۱۹).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برخی از مدارس نه تنها «اثربخشی» بیش‌تری نسبت به مدارس دیگر دارند بلکه به گونه‌ای مؤثرتر می‌توانند با تفاوت‌های فرهنگی که در حوزه آن‌هاست، تعاملی سازنده داشته باشند، به خصوص انتظاراتی که در مورد رفتار دانش‌آموزان وجود دارد و بخشی از فرهنگ مدرسه است، اثربخشی حیاتی این گونه مدارس را غیرقابل‌انکار می‌سازد (حسینی و سامری، ۱۳۸۸).

7- Marishane et al

8- Reezigt & Creemers

کلمن و همکاران^۱ (۲۰۱۰)، معتقدند بررسی اثربخشی سازمانی مدارس هم از بُعد نظری و هم از بُعد کاربردی یک مسئله مهم به شمار می‌رود. از بُعد نظری، عموم محققان و صاحب‌نظران علاقه‌مند هستند تا به بررسی و تبیین شاخص‌ها و عوامل مرتبط با اثربخشی مدرسه بپردازند و گرایش مورد نظر را «جنبش اثربخشی مدرسه» نامیده‌اند و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام یافته است. تحقیقات اثربخشی مدرسه که به طور ویژه در دهه ۶۰ و ۷۰ در ایالات متحده آمریکا و انگلستان شکل گرفت، به عنوان «نسل اول مطالعات اثربخشی مدرسه» اطلاق می‌شود. انتقادات پورکی و اسمیت^۲ در اوایل دهه ۱۹۸۰ بر نسل اول، نقطه آغازین شکل‌گیری نسل دوم است و علاوه بر آن تاکنون، در کشورهای مختلف صاحب‌نظران به بسط و گسترش تحقیقات در زمینه اثربخشی مدرسه پرداخته‌اند. مجموعه تلاش‌های محققان در زمینه اثربخشی در طی سی سال گذشته به طور فزاینده‌ای در حال رشد و گسترش است (لوژن و وانس^۳، ۲۰۰۹). از نظر بُعد کاربردی، اثربخشی سازمانی معرف عملکرد سازمانی مدارس است و درباره عملکرد سازمانی مدارس و هم‌چنین ارزشیابی برنامه‌های آموزشی، توجه به تغییر و تحول سازمانی، ایفای بهبود سازمانی، توسعه سازمانی، توجه به متغیرهای ساختاری سازمان مدارس مانند سلسله‌مراتب و سیاست‌های پاداشی و فراگردهای تصمیم‌گیری و ارتباطات می‌توان به ارزیابی جامعی نائل آمد. از اول تیرماه ۱۳۵۹ با تصویب شورای انقلاب، وزارت آموزش و پرورش موظف شد کلیه مدارس غیردولتی را به صورت دولتی اداره کند. در تبصره یک مصوبه انقلاب اسلامی، وعده ایجاد تأسیس مدارس غیرانتفاعی داده شده بود که این وعده برآورده نشد تا آنکه بالأخره در سال ۱۳۶۷ لایحه تأسیس مدارس غیرانتفاعی مشتمل بر ۲۱ ماده و ۱۵ تبصره در جلسه علنی ۶۷/۳/۵ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و از سال تحصیلی ۶۹-۶۸ این مدارس مجدداً آغاز به کار کردند. از سال ۱۳۶۷ به بعد و با افزایش نرخ رشد جمعیت دانش‌آموزان کشور مدارس غیرانتفاعی رفته‌رفته دانش‌آموزان زیادی را جذب نمودند. اما با توجه به روند رشد این مدارس رفته‌رفته پرسشی که مطرح شد این بود که آیا مدارس غیرانتفاعی از کیفیت و اثربخشی لازم برخوردارند یا فقط صرفاً به دنبال منفعت مالی می‌باشند. در این راستا اختلاف نظر وجود داشت

1- Coleman et al
2- Purkey & Smith
3- Lejeune & Vas

و این اختلاف نظر هنوز هم ادامه دارد. از این رو، بر این اساس هدف کلی پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین است. در واقع دغدغه پژوهشگران این تحقیق این بود که آیا واقعاً مدارس غیرانتفاعی نسبت به دولتی اثربخش‌ترند. اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی می‌تواند نگرش جدیدی به پژوهشگران و مدیران آموزشی در عرصه آموزش و پرورش دهد. انجام این پژوهش تفاوت‌های مدارس دولتی و غیرانتفاعی (غیرانتفاعی) مقطع ابتدایی را به لحاظ اثربخشی نشان می‌دهد.

از آنجایی که در ارائه تعریفی واحد از اثربخشی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اعتقاد بر این است نمی‌توان از اثربخشی تعریف درست ارائه کرد. با این وجود به عنوان یک موضوع اساسی در تئوری سازمان، معنا و مفهوم و هم چنین معیار سنجش آن باید روشن شود. به زعم رابینز^۱ (۱۳۸۷)، در تعریف اثربخشی می‌توان به پنج رویکرد اشاره کرد که عبارت‌اند از:

رویکرد نیل به هدف: رویکرد نیل به هدف چنین اظهار می‌دارد که اثربخشی سازمانی باید بر حسب میزان تحقق اهداف آن، نه وسایل بکار گرفته شده برای دستیابی به اهداف سنجیده شود (رابینز، ۱۳۷۸). این رویکرد روش منطقی است چرا که سازمان‌ها، همواره می‌کوشند تا به سطح یا میزان معینی از اهداف دست یابند. در اجرای این رویکرد، میزان پیشرفت برای تحقق هدف‌های سازمانی اندازه‌گیری می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که روش مبتنی بر هدف از همه روش‌ها معقول‌تر است؛ چرا که اثربخشی را بر حسب توانایی سازمان در تأمین هدف‌هایش تعریف می‌کنند (دفت^۲، ۱۳۷۸).

رویکرد سیستمی در اثربخشی: رویکرد سیستمی چنین استدلال می‌کند که تعریف اثربخشی فقط در قالب نیل به هدف، صرفاً یک جنبه از اثربخشی را می‌سنجد. در رویکرد سیستمی اهداف نهایی مورد غفلت واقع نمی‌شوند بلکه اهداف در یک مجموعه از معیارهایی بسیار پیچیده به عنوان یک جزء مورد توجه قرار می‌گیرند. مدل‌های سیستمی، معیارهایی که بقاء بلندمدت سازمان را افزایش خواهند داد (نظیر توانایی سازمان برای دریافت منابع، حفظ و نگهداری خود به عنوان یک پدیده اجتماعی و تعامل موفقیت‌آمیز با محیط خارجی خود به

4- Robbins

5- Deeft

عنوان یک پدیده اجتماعی) تاکید می‌ورزند؛ بنابراین رویکرد سیستمی به نتایج معین شده بیش از وسایل و امکانات نیل به آن‌ها تاکید نمی‌کند (رابینز، ۱۳۷۸).

رویکرد مبتنی بر فرایند درونی: در این روش، اثربخشی یعنی میزان سلامت و کارایی سازمان. یک سازمان کارآمد، فرایند درون سازمانی یکپارچه، بی‌دغدغه و هماهنگ دارد، به گونه‌ای که کارکنان و اعضای آن احساس خوشی و رضایت می‌کنند و دوایر سازمانی دست به دست هم می‌دهند تا بهره‌وری را به بالاترین حد برسانند. در اجرای این روش به محیط خارجی توجهی نمی‌شود. رکن اصلی این روش بر پایه کاری گذاشته شده است که سازمان با منابع موجود خود می‌کند و این اقدام به صورت سلامت درون سازمانی و کارایی متجلی می‌گردد (دفت، ۱۳۸۴).

رویکرد عوامل استراتژیک به اثربخشی: یکی دیگر از رویکردهای ارائه شده در خصوص اثربخشی سازمانی رویکرد عوامل استراتژیک است. از این دیدگاه، سازمانی اثربخش است که خواسته‌های عوامل محیطی خود را که تداوم حیات سازمان مستلزم حمایت آن‌هاست برآورده کند. این رویکرد شبیه به نظریه سیستمی است ولی تأکیدات متفاوتی را دربر دارد (رابینز، ۱۳۷۸). این رویکرد در برخی منابع تحت عنوان «رویکرد تأمین رضایت گروه‌های ذی‌نفع» نیز مطرح شده است. گروه‌های ذی‌نفع یکی از گروه‌های داخل یا خارج از سازمان است که در عملکرد سازمان نقش و سهمی دارد. سهامداران، تولیدکنندگان، کارکنان، مشتریان و... از جمله افراد و گروه‌های ذی‌نفع هستند. در این رویکرد تعیین رضایت این گروه‌ها به عنوان شاخص عملکرد سازمان و اثربخشی سازمانی محسوب می‌شود (زکی و همکاران، ۱۳۸۵).

رویکرد ارزش‌های رقابتی: جدیدترین رویکرد در مطالعه‌ی اثربخشی سازمانی، رویکرد ارزش‌های رقابتی یا چندگانه است. رویکرد ارزش‌های رقابتی با این فرض شروع می‌شود که برای ارزیابی اثربخشی سازمانی بهترین معیار وجود ندارد. نه هدف واحدی وجود دارد که افراد بتوانند روی آن توافق کنند و نه بر اهداف مرجح بر سایر اهداف، اجماع کلی وجود دارد. مفهوم اثربخشی، فی‌الفسه مفهومی ذهنی است و اهدافی که یک ارزیاب انتخاب می‌کند متکی به ارزش‌های شخصی، ترجیحات و منافع فردی است. همچنین رویکرد ارزش رقابتی صرفاً علائق و ترجیحات ارزیابی کنندگان را مد نظر قرار نداده بلکه به موضوعاتی فراتر از این اشاره می‌کند. این رویکرد استدلال می‌کند که عناصر مشترکی وجود دارند که در هر فهرستی از

معیارهای اثربخشی قرار گرفته و می‌توانند به شیوه‌ای باهم ترکیب شده و مجموعه‌ای از ارزش‌های رقابتی را ایجاد کنند. هر کدام از این مجموعه ارزش‌ها، مدل اثربخشی منحصر به فردی را تعریف می‌کند (رابینز، ۱۳۷۸).

در رابطه با اثربخشی سازمانی مدارس دولتی و غیرانتفاعی تا کنون تحقیقات چندی صورت گرفته است که می‌توان به مواردی از این قبیل اشاره کرد:

زکی و همکاران (۱۳۸۵)، در مطالعه‌ای به بررسی اثربخشی سازمانی مدارس آموزش و پرورش شهر اصفهان (آزمون مدل AGIL پارسونز) پرداختند. یافته‌های پژوهش معرف آن است که تفاوت معناداری در میزان نوآوری میان معلمان وجود ندارد؛ اما در زمینه سه مؤلفه دیگر اثربخشی، داده‌ها گویای آن است که تفاوت معناداری میان مؤلفه‌های سه‌گانه تعهد سازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی (روحیه) وجود داشته است. تعهد سازمانی و رضایت شغلی و روحیه زنان بیشتر از مردان می‌باشد. در مجموع، در اثربخشی سازمانی مدارس تفاوت معناداری میان مردان و زنان وجود دارد. نیکنمایی و مهدیان (۱۳۸۸)، مطالعه‌ای با عنوان «تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مدارس اثربخش و ارائه مدلی برای بهبود اثربخشی در مدارس کشور» انجام دادند. نتایج به دست آمده نشان داد که وضعیت موجود مدارس کشور از نظر برخورداری از ابعاد و مؤلفه‌های مدرسه اثربخش کمتر از مقدار متوسط ارزیابی شده‌اند. با توجه به نتایج به دست آمده مدلی به منظور معرفی مدارس اثربخش در کشور مشتمل بر ۵ بخش طراحی و بین ۳۰ نفر از خبرگان دانشگاهی توزیع گردید. نتایج حاصله حاکی از آن بود که مدل پیشنهادی با درجه تناسب ۴/۵۴ از ۵ مورد تأیید قرار گرفته است. حسنی و سامری (۱۳۸۹)، در مطالعه‌ای به بررسی اثربخشی سازمانی مدارس متوسط ناحیه یک شهر ارومیه با استفاده از مدل پارسونز پرداختند. در این مدل مؤلفه‌های چهارگانه اثربخشی مدرسه در سطح دبیران شامل نوآوری، تعهد سازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی (روحیه) مورد توجه قرار گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که مدارس دخترانه اثربخش‌تر از مدارس پسرانه هستند و بین اثربخشی سازمانی مدارس و مؤلفه‌های آن (نوآوری، تعهد سازمانی، رضایت شغلی و روحیه دبیران) رابطه معناداری وجود دارد.

زکی (۱۳۸۹)، در مطالعه خود با عنوان «عوامل اثربخشی سازمانی مدرسه و بررسی رابطه آن با ویژگی‌های آموزشی معلمان» به این نتیجه رسید که میزان اثربخشی سازمانی مدرسه به میزان

زیاد ارزیابی شده و نشان‌دهنده این است که عوامل یازده گانه اثربخشی به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از: رهبری آموزشی اثربخش، فضای مثبت مدرسه، فراوانی ارزیابی و کنترل موفقیت دانش‌آموزان، تأکیدات روشن و شفاف علمی، مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه و فعالیت‌های آموزشی، حداکثر فرصت‌های یادگیری، انتظارات زیاد آموزشی، محیط امن و منظم مدرسه، رشد حرفه‌ای معلمان و تأکید بر مهارت‌های اساسی و ضرورت التزام و وجود ارتباط بین خانه و مدرسه. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که ویژگی‌های چهارگانه معلمان (شامل جنس، سن، سنوات شغلی و تحصیلات) در اثربخشی سازمانی مدارس تأثیری ندارد. پورکی و اسمیت (۱۹۸۳)، پژوهشی در خصوص مشخصات مدارس اثربخش انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد هشت بُعد مدارس اثربخش بدین ترتیب‌اند: میزان فعالیت دانش‌آموزان در یادگیری، انتظارات و نگرش‌های مربوط به موفقیت‌های علمی، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نسبت به وظائف و فعالیت‌های مدرسه، بازخورد و واکنش‌های مربوط به عملکرد افراد، طرز تلقی در خصوص اهداف و ارزش‌های مدرسه، راهنمایی و مشاوره‌های روشن و شفاف مربوط به رفتار دانش‌آموزان، محیط و جو مساعد و مناسب مدرسه و آموزش روش‌های افزایش موفقیت دانش‌آموزان.

ادموندز^۱ (۱۹۸۶)، در یک پروژه تحقیقاتی ملی به «شناسایی ویژگی‌های مدرسه اثربخش» پرداخت. نتایج مطالعه وی نشان داد که مدرسه اثربخش دارای ویژگی‌هایی مانند جو ایمن و منظم، انتظارات بالا، رهبری آموزشی قوی، پایش مستمر پیشرفت دانش‌آموز و فرصت برای یادگیری است. لوین و لذوت^۲ (۱۹۹۵) شش ویژگی مدارس با بالاترین موفقیت را شناسایی کرده‌اند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: انسجام و همکاری معلمان، جو منظم، وجود اصولی جهت حمایت از معلمان، مشارکت والدین، یادگیری فعالانه و پیشرفت تحصیلی و احترام به تفاوت در فرهنگ و محیط. سایمونز^۳ (۱۹۹۵)، در راستای شناسایی ویژگی‌های مدارس اثربخش به عنوان مدارس موفق ۱۱ مشخصه خاص را برای این نوع مدارس ارائه دادند: رهبری حرفه‌ای، چشم‌انداز و اهداف مشترک، ایجاد یک محیط مناسب یادگیرنده، توجه به یاددهی و یادگیری،

1- Edmonds

2- Levine & Lezotte

3- Sammons

انتظارات سطح بالا، تقویت مثبت، نظارت بر پیشرفت، رعایت حقوق و مسئولیت‌های دانش آموز، تدریس هدفمند روابط مثبت خانه و مدرسه. آلبرت گرین^۱ (۲۰۰۵)، در پایان‌نامه خود به بررسی ادراک معلمان، والدین و دانش‌آموزان از ویژگی‌های مدرسه اثربخش دو مدرسه شهری تگزاس پرداخت. در این مطالعه اثربخش بودن مدرسه به وسیله ۱۱ ویژگی تعیین شد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: رهبری آموزشی، مأموریت واضح و روشن، محیط امن و منظم، جو مثبت مدرسه، انتظارات بالا، پایش مکرر، مهارت‌های اولیه، فرصت‌های یادگیری، مشارکت والدین و جامعه، توسعه حرفه‌ای و مشارکت معلم. نتایج مطالعه نشان داد که بین معلمان، والدین و دانش‌آموزان در مورد ۵ ویژگی محیط امن و منظم، جو مثبت مدرسه، انتظارات بالای دانش‌آموزان، ارزیابی مکرر دانش آموز و پایش موفقیت و مهارت‌های اولیه توافق وجود داشت. معلمان و والدین بر سر اینکه مدرسه ویژگی‌های رهبری موثر آموزشی، مأموریت واضح و روشن و حداکثر فرصت برای یادگیری را دارد به توافق رسیدند. از سوی دیگر، دانش‌آموزان در خصوص ویژگی حداکثر فرصت برای یادگیری دانش‌آموزان مطمئن نبودند. فقط والدین و دانش‌آموزان در مورد مشارکت والدین در مدرسه خود توافق داشتند. در مقابل، معلمان در مورد مشارکت والدین در مدرسه مطمئن نبودند.

استون و همکاران^۲ (۲۰۰۷)، اجزاء ۱۲ گانه زیر را جزو عناصر موثر اثربخشی مدارس می‌دانند: به کارگیری آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، تسلط بیشتر نسبت به مطالب علمی و درسی، انجام تمرینات قوی تر و پیچیده‌تر، ارائه گزارش‌ها بیشتر در مورد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، جلوگیری از درماندگی آموخته‌شده برای دانش‌آموزان، ارزیابی مستمر عملکرد آموزشی معلمان، حمایت مالی کاملی از فعالیت‌های آموزشی، در جریان قرار دادن والدین نسبت به عملکرد فرزندانشان، ارزیابی نظران والدین راجع به عملکرد مدرسه، پاداش دهی به رفتارهای اجتماعی و عملکردی مثبت دانش‌آموزان. وزارت آموزش کشور کانادا در سال ۲۰۱۰ برنامه‌ای تحت عنوان «چهارچوب مدارس اثربخش» به ایالت‌های خود فرستاد. در این چهارچوب ۶ مؤلفه اصلی برای تعیین میزان اثربخش مدارس تعیین شده‌اند. این ۶ مؤلفه عبارت‌اند از: میزان یادگیری دانش‌آموزان، رهبری مدرسه و کلاس درس، صدای دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی درسی، آموزش

4- Albert-Green

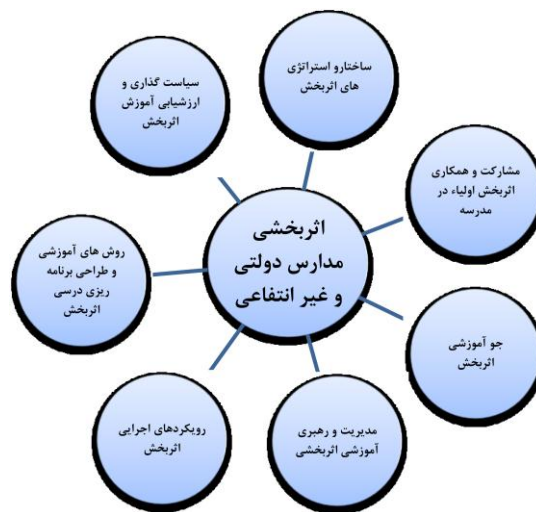
2- Stone et al

و یادگیری، برنامه‌ها و راهکارها و مشارکت جامعه، خانواده و مدرسه (چهارچوب مدارس اثربخش کانادا، ۲۰۱۰). خلاصه‌ای از پیشینه (تحقیقات داخلی و خارجی) در خصوص مؤلفه‌های اثربخشی مدارس در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. خلاصه پیشینه

| نویسنده | مؤلفه‌های مدارس اثربخش |
|-----------------------------------|--|
| زکی و همکاران (۱۳۸۵) | تعهد سازمانی، رضایت شغلی و سلامت سازمانی (روحیه). |
| نیک‌نمایی و مهدیان (۱۳۸۸) | ساختار و استراتژی‌های اثربخش، مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء در مدارس، جو آموزشی اثربخش، مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش، رویکردهای اجرایی اثربخش، روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش، سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزشی اثربخش. |
| حسینی و سامری (۱۳۸۹) | نوآوری، تعهد سازمانی، رضایت شغلی، روحیه دیران. |
| زکی (۱۳۸۹) | رهبری آموزشی اثربخش، فضای مثبت مدرسه، فراوانی ارزیابی و کنترل موفقیت دانش‌آموزان، تأکیدات روشن و شفاف علمی، مشارکت معلمان در تصمیم‌گیری‌های مدرسه و فعالیت‌های آموزشی، حداکثر فرصت‌های یادگیری، انتظارات زیاد آموزشی، محیط امن و منظم مدرسه، رشد حرفه‌ای معلمان و تأکید بر مهارت‌های اساسی و ضرورت التزام و وجود ارتباط بین خانه و مدرسه. |
| پسورکی و اسمیت (۱۹۸۳) | میزان فعالیت دانش‌آموزان در یادگیری، انتظارات و نگرش‌های مربوط به موفقیت‌های علمی، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نسبت به وظائف و فعالیت‌های مدرسه، بازخورد و واکنش‌های مربوط به عملکرد افراد، طرز تلقی در خصوص اهداف و ارزش‌های مدرسه، راهنمایی و مشاوره‌های روشن و شفاف مربوط به رفتار دانش‌آموزان، محیط و جو مساعد و مناسب مدرسه و آموزش روش‌های افزایش موفقیت دانش‌آموزان. |
| ادموندز (۱۹۸۶) | جو ایمن و منظم، انتظارات بالا، رهبری آموزشی قوی، پایش مستمر پیشرفت دانش‌آموز و فرصت برای یادگیری. |
| لویین و لذوت (۱۹۹۵) | انسجام و همکاری معلمان، جو منظم، وجود اصولی جهت حمایت از معلمان، مشارکت والدین، یادگیری فعالانه و پیشرفت تحصیلی و احترام به تفاوت در فرهنگ و محیط. |
| سایموننس (۱۹۹۵) | رهبری حرفه‌ای، چشم‌انداز و اهداف مشترک، ایجاد یک محیط مناسب یادگیرنده، توجه به یاددهی و یادگیری، انتظارات سطح بالا، تقویت مثبت، نظارت بر پیشرفت، رعایت حقوق و مسئولیت‌های دانش‌آموز، تدریس هدفمند روابط مثبت خانه و مدرسه. |
| آلبرت گرین (۲۰۰۵) | رهبری آموزشی، مأموریت واضح و روشن، محیط امن و منظم، جو مثبت مدرسه، انتظارات بالا، پایش مکرر، مهارت‌های اولیه، فرصت‌های یادگیری، مشارکت والدین و جامعه، توسعه حرفه‌ای و مشارکت معلم. |
| استون و همکاران (۲۰۰۷) | به‌کارگیری آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، تسلط بیشتر نسبت به مطالب علمی و درسی، انجام تمرینات قوی تر و پیچیده‌تر، ارائه گزارش‌ها بیشتر در مورد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، جلوگیری از درماندگی آموخته‌شده برای دانش‌آموزان، ارزیابی مستمر عملکرد آموزشی معلمان، حمایت مالی کاملی از فعالیت‌های آموزشی، در جریان قرار دادن والدین نسبت به عملکرد فرزندان، ارزیابی نظرات والدین راجع به عملکرد مدرسه، پاداش دهی به رفتارهای اجتماعی و عملکردی مثبت دانش‌آموزان. |
| وزارت آموزش و پرورش کانادا (۲۰۱۰) | میزان یادگیری دانش‌آموزان، رهبری مدرسه و کلاس درس، صدای دانش‌آموزان، برنامه‌ریزی درسی، آموزش و یادگیری، برنامه‌ها و راهکارها و مشارکت جامعه، خانواده و مدرسه. |

با توجه به بررسی نتایج مطالعات انجام شده در زمینه اثربخشی مدرسه، می توان به این نتیجه رسید که مدل ارائه شده در مطالعه نیکنامی و همکاران با مدارس موجود در ایران بیشترین هماهنگی را دارد، بنابراین برای مقایسه اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی شهر قزوین از مدل ارائه شده توسط نیکنامی و همکاران استفاده شد. مؤلفه های ۷ گانه ارائه شده در این نمودار به عنوان الگوی مفهومی تحقیق واقع شدند.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

فرضیات تحقیق

۱. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ ساختار و استراتژی های اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ روش های آموزشی و طراحی برنامه ریزی درسی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ سیاست گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

۶. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ رویکردهای اجرایی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

۷. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ جو آموزشی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

۸. بین اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین تفاوت معناداری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی-پیمایشی و از لحاظ هدف کاربردی به شمار می‌رود. جامعه آماری را کلیه معلمان و والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دولتی و غیرانتفاعی شهر قزوین تشکیل دادند. تعداد کل مدارس ابتدایی شهر قزوین ۱۰۳ مدرسه بود (۶۷ مدرسه دولتی و ۳۶ مدرسه غیرانتفاعی). تعداد کل معلمان مدارس ابتدایی دولتی و غیرانتفاعی شهر قزوین به ترتیب ۵۳۶ و ۳۶۰ نفر و تعداد اولیای دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیرانتفاعی شهر قزوین به ترتیب ۱۴۰۷۰ و ۵۴۰۰ نفر بودند. نمونه‌های انتخاب‌شده تحقیق از طریق جدول کرجسی و مورگان بدین صورت بود: حجم نمونه معلمان مدارس ابتدایی ۲۲۶ نفر برآورده شده که از هر مدرسه ۳ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. حجم نمونه معلمان مدارس غیرانتفاعی ۱۸۶ نفر برآورد شد که از هر مدرسه ۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. حجم نمونه اولیاء دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دولتی ۳۷۵ نفر برآورد شد که از هر مدرسه ۶ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید و حجم نمونه اولیاء دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی ابتدایی ۳۵۷ نفر برآورد شد که از هر مدرسه ۱۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه اثربخشی مدارس بود. این پرسشنامه شامل دو بخش مشخصات عمومی مدارس و مؤلفه‌های اثربخشی مدارس بود. هفت مؤلفه اصلی اثربخشی مدارس شامل ساختار و استراتژی‌های اثربخش (۱۷ سؤال)، مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء در مدرسه (۱۴ سؤال)، روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش (۱۵ سؤال)، سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش (۱۰ سؤال)، مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش (۸ سؤال)، رویکردهای اجرایی اثربخش (۱۲ سؤال) و جو آموزشی اثربخش (۷ سؤال) بود. سؤالات این پرسشنامه در قالب مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) تنظیم شد. روایی پرسشنامه توسط متخصصین دانشگاهی و عملی و اجرایی به دست آمد و پایایی آن از طریق

آزمون آلفای کرونباخ سنجیده شد که ضریب ۰/۹۱. نشان از سطح بالا و قابل قبول پرسشنامه بود. در نهایت داده‌ها با استفاده از آزمون من ویتنی از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. همچنین برای پیش فرض نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار امتیاز هر یک از ابعاد اثربخشی مدارس به تفکیک نوع مدرسه

| ابعاد اثربخشی مدارس | نوع مدرسه | میانگین | انحراف معیار | خطای معیار |
|--|------------|---------|--------------|------------|
| ساختار و استراتژی‌های اثربخش | دولتی | ۲/۹۹ | ۰/۶۰ | ۰/۰۵ |
| | غیرانتفاعی | ۳/۹۵ | ۰/۴۶ | ۰/۰۴ |
| مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء | دولتی | ۳/۰۳ | ۰/۶۹ | ۰/۰۶ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۰۶ | ۰/۵۱ | ۰/۰۵ |
| روش‌های آموزش و طراحی برنامه درسی اثربخش | دولتی | ۳/۱۴ | ۰/۶۶ | ۰/۰۶ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۰۵ | ۰/۴۴ | ۰/۰۴ |
| سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش | دولتی | ۳/۱۳ | ۰/۷۲ | ۰/۰۶ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۱۰ | ۰/۵۲ | ۰/۰۵ |
| مدیریت و رهبری آموزش اثربخش | دولتی | ۳/۲۱ | ۰/۸۰ | ۰/۰۷ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۱۷ | ۰/۴۹ | ۰/۰۴ |
| رویکردهای اجرایی اثربخش | دولتی | ۳/۱۴ | ۰/۷۲ | ۰/۰۶ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۱۰ | ۰/۴۹ | ۰/۰۴ |
| جو آموزشی اثربخش | دولتی | ۳/۳۱ | ۰/۷۹ | ۰/۰۷ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۱۷ | ۰/۵۸ | ۰/۰۵ |
| میانگین | دولتی | ۳/۱۱ | ۰/۶۰ | ۰/۰۵ |
| | غیرانتفاعی | ۴/۰۶ | ۰/۴۲ | ۰/۰۴ |

جدول ۲ میانگین نمره مدارس در هر یک از ابعاد اثربخشی مدارس را به تفکیک نوع مدرسه نشان می‌دهد. یافته‌های جدول نشان از بالا بودن میانگین نمره مدارس غیرانتفاعی در برابر مدارس دولتی در همه ابعاد است؛ به عبارت دیگر میانگین مدارس غیرانتفاعی نشان از اثربخش بودن این مدارس در ۷ مؤلفه نسبت به مدارس دولتی است. در کل نتایج نشان داد که از نظر نمونه مورد پژوهش میانگین امتیاز اثربخشی مدارس دولتی ۳/۱۱ و میانگین امتیاز مدارس غیرانتفاعی ۴/۰۶ بود.

فرضیه ۱: بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ ساختار و استراتژی‌های اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳. میانگین رتبه‌های بُعد ساختار و استراتژی‌های اثربخش بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|------------------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| ساختار و استراتژی‌های اثربخش | دولتی | ۵۰۴ | ۳۰۸/۲۱ | ۱۵۵۳۴۰ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۸ | ۷۰۳/۲۲ | ۳۵۷۲۳۸ |
| جمع | | ۱۰۱۲ | | |

جدول ۴. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد ساختار و استراتژی‌های اثربخش | |
|-----------------------------------|---------|
| آماره من ویتنی | ۲۸۰۸۰ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۵۵۳۴۰ |
| مقدار Z | -۲۱/۵۰۲ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این نشان‌دهنده تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد ساختار و استراتژی‌های اثربخش وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

فرضیه ۲: بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵. میانگین رتبه‌های بُعد مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|-------------------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء | دولتی | ۵۰۰ | ۳۱۵/۷۳ | ۱۵۷۸۶۶ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۸ | ۶۹۰/۳۰ | ۳۵۰۶۷۰ |
| جمع | | ۱۰۰۸ | | |

جدول ۶. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء | |
|------------------------------------|---------|
| آماره من ویتنی | ۳۲۶۱۶ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۵۷۸۶۶ |
| مقدار Z | -۲۰/۴۳۳ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

فرضیه ۳: بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷. میانگین رتبه‌های بُعد روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|--|------------|-------|-----------------|---------------|
| روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش | دولتی | ۵۰۴ | ۳۲۰/۳۶ | ۱۶۱۴۶۰ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۴ | ۶۸۸/۶۴ | ۳۴۷۰۷۶ |
| جمع | | | | |
| ۱۰۰۸ | | | | |

جدول ۸. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش | |
|---|---------|
| آماره من ویتنی | ۳۴۲۰۰ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۶۱۴۶۰ |
| مقدار Z | -۲۰/۰۹۳ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

۹. بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹. میانگین رتبه‌های بُعد سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|-------------------------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش | دولتی | ۵۰۰ | ۳۲۳/۳۰ | ۱۶۱۶۵۰ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۸ | ۶۸۲/۸۵ | ۳۴۶۸۸۶ |
| جمع | | | | |
| ۱۰۰۸ | | | | |

جدول ۱۰. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش | |
|--|---------|
| آماره من ویتنی | ۳۶۴۰۰ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۶۱۶۵۰ |
| مقدار Z | -۱۹/۶۲۱ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد سیاست‌گذاری و ارزشیابی

آموزش اثربخش وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

فرضیه ۵: بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱. میانگین رتبه‌های بُعد سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|------------------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش | دولتی | ۵۰۴ | ۳۳۱/۰۲ | ۱۶۶۸۳۶ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۴ | ۶۷۷/۹۸ | ۳۴۱۷۰۰ |
| | جمع | ۱۰۰۸ | | |

جدول ۱۲. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش | |
|-----------------------------------|---------|
| آماره من ویتنی | ۳۹۵۷۶ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۶۶۸۳۶ |
| مقدار Z | -۱۸/۹۴۷ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

فرضیه ۶: بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ رویکردهای اجرایی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳. میانگین رتبه‌های بُعد رویکردهای اجرایی اثربخش بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|-------------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| رویکردهای اجرایی اثربخش | دولتی | ۵۰۰ | ۳۳۳/۵۴ | ۱۶۱۷۷۰ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۸ | ۶۸۲/۶۱ | ۳۴۶۷۶۶ |
| | جمع | ۱۰۰۸ | | |

جدول ۱۴. نتایج آزمون من ویتنی

| رویکردهای اجرایی اثربخش | |
|-------------------------|---------|
| آماره من ویتنی | ۳۶۵۲۰ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۶۱۷۷۰ |
| مقدار Z | -۱۹/۵۹۴ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد رویکردهای اجرایی اثربخش وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

فرضیه ۷: بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین از لحاظ جو آموزشی اثربخش تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۵. میانگین رتبه‌های بُعد جو آموزشی اثربخش بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| جو آموزشی اثربخش | دولتی | ۵۰۰ | ۳۴۸/۵۸ | ۱۷۴۲۹۰ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۴ | ۶۵۵/۲۰ | ۳۳۰۲۲۰ |
| | جمع | ۱۰۰۴ | | |

جدول ۱۶. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد جو آموزشی اثربخش | |
|-----------------------|---------|
| آماره من ویتنی | ۴۹۰۴۰ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۷۴۲۹۰ |
| مقدار Z | -۱۶/۷۸۴ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و بُعد جو آموزشی اثربخش وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در این بُعد دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

فرضیه ۸: بین اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۷. میانگین رتبه‌های اثربخشی کلی مدارس بر اساس نوع مدرسه

| بُعد | نوع مدرسه | تعداد | میانگین رتبه‌ها | مجموع رتبه‌ها |
|-------------------|------------|-------|-----------------|---------------|
| اثربخشی کلی مدارس | دولتی | ۵۰۴ | ۳۰۷/۳۰ | ۱۵۴۹۲۴ |
| | غیرانتفاعی | ۵۰۸ | ۷۰۴/۰۴ | ۳۵۷۶۵۴ |
| | جمع | ۱۰۱۲ | | |

جدول ۱۸. نتایج آزمون من ویتنی

| بُعد اثربخشی کلی مدارس | |
|------------------------|---------|
| آماره من ویتنی | ۲۷۶۶۴ |
| آماره ویلکاکسون | ۱۵۴۹۲۴ |
| مقدار Z | -۲۱/۵۸۶ |
| معیار تصمیم (Sig) | ۰/۰۰۰ |

بر اساس آزمون من ویتنی، مقدار معیار تصمیم (Sig) کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد و این امر نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین نوع مدرسه (دولتی و غیرانتفاعی) و اثربخشی مدارس وجود دارد. بدین معنی که مدارس غیرانتفاعی در مجموع دارای اثربخشی بیشتری نسبت به مدارس دولتی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی مقایسه‌ای اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین بود. این مطالعه در قالب ۷ مؤلفه ساختار و استراتژی‌های اثربخش، مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء، روش‌های آموزش و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش، سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزشی اثربخش، مدیریت و رهبری آموزشی اثربخش، رویکردهای اجرایی اثربخش و جو آموزشی اثربخش بررسی شد. ادبیات موضوع نشان داد اثربخشی سازمانی موضوع محوری در نظریه سازمانی تلقی شده و مؤسسات در ارزیابی عملکرد خود به بررسی و میزان اثربخشی سازمانی می‌پردازند. بدون تردید سازمان‌های آموزشی یکی از مهم‌ترین، موثرترین و گسترده‌ترین سازمان‌ها است که تربیت و تعلیم رسمی افراد جامعه را بر عهده دارد و نیز به عنوان تأمین‌کننده منابع انسانی سایر سازمان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نتایج فرضیه اول نشان داد مؤلفه تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به فعالیت‌های ذهنی مانند تفکر کردن و استدلال کردن به عنوان بالاترین میانگین (۳/۱۷) و مؤلفه وجود کتابخانه غنی در مدرسه به عنوان پایین‌ترین میانگین (۲/۷۹) بود. به طور کلی نتایج پژوهش در پاسخ به این فرضیه که بین ساختار و استراتژی‌های اثربخش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین تفاوت معناداری وجود دارد، نشان داد بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین در بُعد ساختار و استراتژی‌های اثربخش در سطح ۰/۹۵، تفاوت معناداری وجود دارد. در این بُعد مدارس دولتی دارای میانگین ۲/۹۹ و مدارس غیرانتفاعی دارای میانگین ۳/۹۵ بودند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش نیکنومی و مهدیان (۱۳۸۸) مغایرت دارد. در مطالعه حاضر این بُعد دارای میانگین ۳/۴۷ بود و در مطالعه نیکنومی و مهدیان این بُعد دارای میانگین ۲/۶۲ بود.

بعد مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در اثربخشی مدارس به شمار می‌رود، همچنان که این مؤلفه در تحقیقات استون و همکاران (۲۰۰۷) و لذوت (۱۹۹۱) مورد بررسی قرار گرفته است. در بین مؤلفه‌های این بُعد بیش‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه تمرکز

یادگیری بر رشد و پیشرفت دانش آموزان (۳/۱۶) و کم‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه همفکری معلمان و والدین در انجام اموری خاص از قبیل موضوعات جنسی و ... (۲/۹۰) است. نتایج به دست آمده در این بُعد با نتایج استون و همکاران و لذوت همخوانی دارد اما نتایج به دست آمده با مطالعه نیکنامی و مهدیان مغایرت دارد؛ چرا که میانگین کلی به دست آمده در اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی پژوهش حاضر به ترتیب ۳/۵۵ و ۳/۵۴ بود و در مطالعه نیکنامی و مهدیان این اثربخشی به ترتیب ۲/۳۴ و ۲/۹۸ بود. نتایج پژوهش نشان داد بین مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین تفاوت معناداری در سطح ۹۵٪ وجود دارد. روش‌های آموزش و طراحی درسی اثربخش جزء آن دسته از مؤلفه‌هایی به شمار می‌رود که می‌تواند تأثیر بسزایی در خط جدایی مدارس دولتی و غیرانتفاعی داشته باشد (بوتا و ماکلو، ۲۰۱۲). این مورد در پژوهش حاضر نیز اثبات شد. نتایج پژوهش نشان داد بین روش‌های آموزشی و طراحی برنامه‌ریزی درسی اثربخش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین تفاوت معناداری در سطح ۹۵٪ وجود دارد. در این بُعد مدارس دولتی دارای میانگین ۳/۱۴ و مدارس غیرانتفاعی دارای میانگین ۴/۰۵ بودند. به طور کلی در مطالعه حاضر این بُعد دارای میانگین ۳/۵۹ بود و در مطالعه نیکنامی و مهدیان این بُعد دارای میانگین ۲/۶۶ بود.

در بُعد سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزشی اثربخش بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه به‌کارگیری راهبردهای مؤثر مدیریت کلاس توسط معلمان (۳/۳۱) و پایین‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه اجرای برنامه‌های میان‌رشته‌ای در مدرسه (۲/۹۱) بود. در مطالعه‌ای که توسط نیکنامی و مهدیان (۱۳۸۸) صورت گرفت میانگین اثربخشی مدارس دولتی و غیرانتفاعی از نظر اولیاء دانش آموزان و معلمان در این بُعد به ترتیب ۲/۳۸ و ۳/۱۰ بود اما در پژوهش حاضر این میانگین‌ها به ترتیب عدد ۳/۵۵ و ۳/۶۶ را نشان می‌دهد که این خود نشان‌دهنده مغایرت یافته‌های این پژوهش با پژوهش نیکنامی و مهدیان است. در کل نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین در سطح ۹۵٪ تفاوت معناداری وجود دارد. به طور کلی در این بُعد مدارس دولتی دارای میانگین ۳/۱۳ و مدارس غیرانتفاعی دارای میانگین ۴/۱۰ بودند. نتایج نشان داد بین مدیریت و

رهبری آموزشی اثربخش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین در سطح ۹۵٪ تفاوت معناداری وجود دارد؛ در این بُعد مدارس دولتی دارای میانگین ۳/۲۱ و مدارس غیرانتفاعی دارای میانگین ۴/۱۷ بودند.

در پژوهش حاضر و در بُعد رویکردهای اجرایی اثربخش از نظر اولیای دانش‌آموزان و معلمان این بُعد به ترتیب دارای میانگین ۳/۵۷ و ۳/۶۶ و در مطالعه نیکنمایی و مهدیان از نظر اولیای دانش‌آموزان و معلمان این بُعد به ترتیب دارای میانگین ۲/۳۷ و ۲/۹۸ بود. در این پژوهش بین رویکردهای اجرایی اثربخش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین در سطح ۹۵٪ تفاوت معناداری وجود دارد. در این بُعد مدارس دولتی دارای میانگین ۳/۱۴ و مدارس غیرانتفاعی دارای میانگین ۴/۱۰ بودند. جو آموزشی اثربخش به عنوان آخرین بُعد از ابعاد ۷ گانه اثربخشی مدارس به شمار می‌رود. نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر نشان داد بین جو آموزشی اثربخش در مدارس دولتی و غیرانتفاعی ابتدایی شهر قزوین در سطح ۹۵٪ تفاوت معناداری وجود دارد. در این بُعد مدارس دولتی دارای امتیاز ۳/۳۱ و مدارس غیرانتفاعی دارای امتیاز ۴/۱۷ بودند.

پس در کل نتایج نشان داد که از نظر نمونه مورد پژوهش میانگین امتیاز اثربخشی مدارس دولتی ۳/۱۱ و میانگین امتیاز مدارس غیرانتفاعی ۴/۰۶ بود. در بررسی تک‌تک ابعاد اثربخشی نیز نشان داده شد که در همه ابعاد مورد پژوهش میانگین امتیاز مدارس غیرانتفاعی بالاتر از مدارس دولتی بود؛ به عبارت دیگر از نظر اولیای دانش‌آموزان و معلمان، مدارس غیرانتفاعی در همه ابعاد اثربخش‌تر از مدارس دولتی بودند.

با توجه به نتایج به دست آمده در این بخش به مدارس خصوصاً مدارس دولتی می‌توان پیشنهادهایی در هر بعد ارائه کرد:

بُعد ساختار و استراتژی‌های اثربخش: مبادرت دبیران به مشاهده رفتارهای حرفه‌ای همکاران خود، وجود کتابخانه غنی در مدرسه و تخصیص زمان کافی برای رشد حرفه‌ای کارکنان در مدرسه.

بُعد مشارکت و همکاری اثربخش اولیاء: دخالت دادن اولیاء در تعیین هدف‌های مدرسه و سیاست‌های آموزشی مدرسه، نیازسنجی مستمر از توقعات ذی‌نفعان مدرسه در ارتباط با مسائل

آموزشی و تربیتی و مشارکت همه‌جانبه اولیاء و جامعه در امور مرتبط با مدرسه اعم از کمک‌های فکری و مالی.

بُعد روش‌های آموزش و طراحی برنامه درسی اثربخش: بازبینی و تجدیدنظر سالانه در برنامه‌های درسی (توسط اعضای تیم آموزشی مدرسه)، تمرکز بر یادگیری چندوجهی (اعم از مشارکتی و بازخوردی) و اجرای مدل‌های یادگیری حرفه‌ای اثربخش (شامل یادگیری شبکه‌ای به کار تیمی و یادگیری در عمل).

بُعد سیاست‌گذاری و ارزشیابی آموزش اثربخش: دخالت دادن معلمان در تعیین اهداف و برنامه‌های مدرسه به عنوان یک سیاست روتین، اجرای برنامه‌های میان‌رشته‌ای در مدرسه و توجه برنامه‌های درسی به رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان فراسوی موضوعات درسی.

بُعد مدیریت و رهبری آموزش اثربخش: فراهم‌سازی تجهیزات ورزشی به قدر کافی در مدرسه، نظارت دقیق مدیر بر چگونگی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و نظارت والدین بر انجام تکالیف فرزندان در منزل و مدرسه.

بُعد رویکردهای اجرایی اثربخش: استفاده از دستیاران آموزشی برای پیشرفت و حل مشکلات، بهره‌گیری دبیران از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در اجرای برنامه‌های آموزشی و بازنگری مستمر سیاست‌های مدرسه برای سازگاری با شرایط و نیازهای دانش‌آموزان.

منابع

- حسینی، محمد؛ سامری، مریم (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی سازمانی مدارس متوسط ناحیه یک شهر ارومیه با استفاده از مدل پارسونز. **مدیریت فرهنگ سازمانی**، سال ۸، شماره ۲۱، صص ۲۰۱-۲۲۳.
- دفت، ریچارد ال. (۱۳۸۷). **تئوری و طراحی سازمان**. ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ اول.
- رابینز، استیفن؛ دی سنزو، دیوید. (۱۳۹۲). **مبانی مدیریت**. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. مترجمان: سید محمد اعرابی، محمدعلی حمید رفیعی، بهروز اسراری ارشاد. ویرایش اول، چاپ دوازدهم.
- زکی، محمدعلی. (۱۳۸۹). عوامل اثربخشی سازمانی مدرسه و بررسی رابطه آن با ویژگی‌های آموزشی معلمان. *مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع) - تعلیم و تربیت اسلامی* (۱۰)، سال ۱۸، شماره پیاپی ۸۰، صص ۱۶۱-۱۹۴.

- زکی، محمدعلی؛ ادیبی سده، مهدی؛ یزدخواستی، بهجت. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی سازمانی مدارس آموزش و پرورش شهر اصفهان (آزمون مدل AGIL پارسونز). *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۴۳-۲۷.
- علاقه بند، علی. (۱۳۹۳). *مدیریت عمومی*. تهران: نشر روان، چاپ بیست و هفتم.
- کرم دخت، رقیه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین اخلاق سازمانی مدیران و اثربخشی سازمانی مدارس متوسطه شهرستان مابلسر. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۱۵.
- میر کمالی، سیدمحمد. (۱۳۷۵). مشارکت در تصمیم گیری در امور آموزشی و همبستگی آن با اثربخشی و کارایی سازمان. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۳۷.
- نیک‌نامی، مصطفی؛ مهدیان، محمدجعفر (۱۳۸۸). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مدارس اثربخش و ارائه مدلی برای بهبود اثربخشی در مدارس کشور. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، شماره ۷، ۱۹۹-۱۷۱.
- Albert-Green, D. (2005). **Teachers', parents', and students' perceptions of effective school characteristics of two Texas urban exemplary open-enrollment charter schools**. Texas A&M University.
- Botha, R. N., & Makoelle, T. M. (2012). Exploring Practices Determining School Effectiveness: A Case Study in Selected South African Secondary Schools. *Int J Edu Sci*, 4(2): 79-90.
- Coleman, J., Campbell, E., Hobson, C., McPartland, J., Mood, A., Weinfeld, F., & York, R. (2010). Equality of educational opportunity. *The Structure of Schooling: Readings in the Sociology of Education*, 120.
- Dronkers, J., & Robert, P. (2003). **The effectiveness of public and private schools from a comparative perspective**: European University Institute San Domenico di Fiesole, Italy.
- Edmonds, R. (1986). **Characteristics of effective schools. The school achievement of minority children: New perspectives**, 93-104.
- Faizal, M., Siraj, S & Norfaiza, R. (2011). School Effectiveness and improvement practices in excellent schools in Malaysia and Brunei. *Procedia Social and ehavioral Science*. 15: 1705 -1712.
- Lejeune, C., & Vas, A. (2009). Organizational culture and effectiveness in business schools: a test of the accreditation impact. *Journal of Management Development*, 28(8), 728-741.
- Levine, D. U., & Lezotte, L. W. (1995). **Effective schools research**. In J. Banks & C. A. McGee-Banks (Eds.), **Handbook of research on multi-cultural research** (pp.525-547). New York: Simon & Schuster & Macmillan.
- Marishane, R. N., Botha, N., & Du Plessis, P. (2011). **School Leadership in a Changing Context: A Case for School-based Management**: Van Schaik.
- Purkey, S.C. and M, S.Smith. (1983). Effective Schools: A Review. *The Elementary School Journal*, 83(4): 427-452.
- Reezigt, G. J., & Creemers, B. P. (2005). A comprehensive framework for effective school improvement. *School effectiveness and school improvement*, 16(4), 407-424.

- Sammons, P. (1995). **Key characteristics of effective schools**. University of London.
- Stone, J., Bruce, G., & Hursh, D. (2007). Effective schools, common practices: Twelve ingredients of success from Tennessee's most effective schools. Prepared for the Education Consumers Foundation. **Retrieved from the Internet**, 4(18), 10.

